

بیانیه دانشجویان دانشگاه

بسمه تعالی

وَأَمَّا مَن يَنفَع النَّاسَ فَمِثْكَ فِي الْأَرْضِ (۱)

مجاهدین خلق ایران را مستضعفین ایرانی چونان گلی میدانند که بر نهاد آرزوهای بهروزی آنان روئیده است، همان آرزوهایی که با فریادهای خشمگینانه و بیدارکننده سیدجمال ها و نایینی ها بیدار گشت و در طول یک قرن زندگی پر تلاطم ملت ما مطابق خواسته خدایی و ضروریات تاریخی رشد کرد و پس از گذراندن فرازونشیب های بسیار بخاطر حقانیت خود زنده ماند و هر دم بر سر سبزی آن افزوده گشت و بالاخره در بهاران سالهای خونین بعد از ۵۰ بگل نشست.

چرا ننشینند که خونهای پاکی از دیر باز این نهال را سیراب کرده اند و چرا نبالد. این درخت رستش از ظلمات ظلمها و سیاه چالها و گرسنگی ها و شکنجه های مداوم بسمت نور حیات بخش خدایی است و خلق مسلمان ایران از همان اوان نشان داده است که نشانه های این درخت ریشه در زمین را خوب میشناسد و علت پشتیبانی بیدریغ و صادقانه اش نیز در سالیان اخیر از سازمان مجاهدین خلق مسلمان ایران بدین دلیل بوده است.

از مدتها پیش که شایعات تمایلات مارکسیستی یک عده از رهبران سازمان مجاهدین در افواه عمومی می پیچید مردم را عقیده بر آن بود این بار دست خیانتکار رژیم مزدور در کار است. چرا که قبلا نیز همین مردم از این قبیل دسیسه ها بسیار دیده بودند و از جلد چه انتظار میتوان داشت. ولی شگفت آنکه شواهد و شایعات موجود با پخش بیانیه ای منتسب بسازمان مجاهدین تایید شد و این بار ضربه از درون و جایکه انتظار نمیرفت فرود آمده بود و در سازمان امید برانگیز مردم، کودتایی رخ داده و سازمان دیگری بجای آن نشسته بود. سازمان جدیدی که آرم سازمان مجاهدین مسلمان را قلب کرده و با افکارشناخته شده کهنه توده ایهای خیانتکار (همان ها که بیانیه، مذبحخانه تلاش کرده است با تخطیه ایشان خود را از گناهان آنان مبرا کند) موجودیت خود را اعلام میکرد. این کودتا همانطور که شایعات قبلی حکایت میکردند با آتش گلوله و خون و با استفاده از غیبت رهبران متفکر و مجاهدو مسلمان سازمان انجام گرفته است و در بیانیه کذایی چه عبث تلاشی کرده است که این چرخش ۱۸۰ درجه را نتیجه رشد طبیعی و تکاملی خط سیر مبارزان مجاهد مسلمان جا بزند. و بحق این ضربه هولناکی بر تمام گروه های مبارز و صادق بود ولی میدانیم که این ضربه با تمام شدتش ویران کننده نیست و نمیتواند باشد و نیروهای انقلاب اسلامی از این ماجرا پنדהا خواهند آموخت که آنها را در معرکه بکار آید. همانسان که از دوران مشروطیت بیعد در مقابل نیروهای سازشکار و اپورتونیسیم کمونیستهای وطنی پندهای زیادی آموخته اند.

باید معتقد بود که نیروهای پیش تاز انقلاب اسلامی خواه منافقین تمام جبهه را غصب کرده باشند و یا نتوانسته باشند (که نتوانسته اند و اشاره نویسنده بیانیه بتصفیه پنجاه درصد ایده آلیسم اوهام پرست! از داخل سازمان مؤید وجود جبهه ای قوی و فزون از پنجاه درصد ادعایی است) این نهال ریشه در قلوب خلق زحمتکش مسلمان ایران بالاخره بیار خواهد نشست. کلمه طیبه کسجهره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء توتی اکلها کل حین باذن ربها (۲).

ضربه فوق مسوولیتهای جدی و حساسی را متوجه تمام مسلمانان متعهد و پشتیبان نهضت های پیشتاز انقلابی مینماید و قطع سریع و قاطع هر گونه کمک و پشتیبانی از سازمان مجاهدین مارکسیست استالینیست و بر ملا کردن ماهیت روش خیانت کارانه سازمان جدید از آن زمره اند و نیز اگر رژیم بازاد گذاشتن چاپ و نشر کتابهای مارکسیستی در دو سال اخیر بطرز بیسابقه ای بگسترش این نوع افکار وارداتی و دکماتیسم و بی ریشه پرداخته است انتقاد و بحث در

مورد فحواى بيانيه فوق و هر اندیشه وارداتى مشکوک بشکلى که تعصب در آن حکمفرما نباشد ميتواند کمک بسزايى در روشن کردن اذهان مردم و زدودن آثار شوم چنين ضربه اى بنمايد.

بحث در مورد تمامى محتوى بيانيه حجيم سازمان مجاهدين استالينيست در حوصله اين چند ورق نيست و آنچه مقدور است با شماره و مختصر در ذيل ميآيد. اميد آنکه بتدريج و در سطوح مختلف بررسيهاى وسيع تری در اختيار مردم قرار داده شود.

۱ - سراسر بيانيه کذابى حاكى از تلاش شديدى است براى طبيعى نماياندن تغيير ۱۸۰ درجه اى ايدئولوژيك سازمان و توجيه آن. در صورتىکه هم بررسى ابتدائى بيانيه و هم بررسى دقيق تاريخ و چگونگى مبارزات مجاهدين خلق مسلمان و نيز زندگى رهبران اصلى سازمان مجاهدين در سالهاى قبل از گرفتارى و شهيد شدن نشان ميدهد که اين تغيير زاده يك حرکت طبيعى نيست (توجه شود به توضيحات مفصل بيانيه در مورد مبارزه سخت درون تشکيلاتى و توطيه هاى قتل و کشتار مخالفين) بلکه عده اى مارکسيست (همان مارکسيستهاى که نويسنده بعنوان جوانان تيز هوش اشارت به عقايد مارکسيستى آنان از سالهاى ۴۷ ميکند) از خلاء موجود در کادر رهبرى استفاده کرده و با روش هاى کودتاى ايديه هاى خود را با خشونت و دسيسه (بقول استالينيستها تاکتيک) بر تمام سازمان گسترش داده اند و همان طور که نويسنده بيانيه اذعان دارد اگر رهبران و موسسين اوليه و پيشگام در معرکه اين مبارزه بودند چنين اتفاقى نميافتاد و وقتى رهبران اوهاى پرست و ايديه آليست (بزعم نويسنده بيانيه) به دم رگبارهاى تيرهاى سحرى سپرده شده اند و يا پشت ميله هاى زندان دستمان از عمل کوتاه شد انجام اين کودتا امکان پذير ميبوده است.

۲ - اصولاً دليل چسباندن مارک مارکسيسم به سازمانى با زير بناى عقيدتى کاملاً متفاوت که نقشى سازنده و موثر را در روبرويى با دشمن داراست چيست. مگر نه آنکه در ايران گام بگام دو سازمان انقلابى يکى مارکسيستى و ديگرى اسلامى با هم بدشمن خونخوار تاخته اند و ضربات کارى بر آن وارد کرده اند. آيا بهتر نبود جناياتى که خارش ايديه هاى مارکسيستى آنها راحت نميگذاشته اگر واقعا صداقت انقلابى داشتند و بفداييان خلق که قهرمانانه و صادقانه در يکى از دو جبهه مقدم ميچنگند ملحق ميشدند و از سوى ديگر بنا بعقيده نويسنده بيانيه اگر تنها و تنها مارکسيست لنيست بنا به ضرورت تاريخى بايد در مبارزه خلق با دشمن پيروز ميگرديد چه احتياجى بود در اين مرحله از مبارزه که مجاهدين مسلمان با پشتوانه اى قوى توده اى ميتوانستند نقش موثرى را در طول مبارزه بازي کنند و بعد از بين برونند شما آنها متلاشى کنيد. ميرفتيد جبهه مارکسيستها را تقويت ميکرديد ميگذاشتيد بعد از انجام دادن نقش تاريخى خود مجاهدين بنا بر همان ضرورت تاريخى از بين بروند.

۳ - نويسنده تيز هوش (که گویا از همان جوانان مارکسيست تيز هوش سالهاى ۴۷ است که از همان اوان تخم نفاق در درونش پراکنده بوده تا کى بار دهد) براى حق جلوه دادن روش ناجوانمردانه اى که رهبرى جديد بدان دست يازيده بمخدوش کردن نقش گروهها و افراد آن در تاريخ معاصر پرداخته است و جالب اينکه فعاليت هاى آن گروه ها را نه در تأثير متقابل با وقايع زمان خودشان که با فعاليت هاى سالهاى ۵۰ ببعيد ميسنجد. از آنجمله است ارزيايى نقش نهضت آزادى در سالهاى ۴۰. گویا در مغز کوچک نويسنده نميگنجد که نهضت آزادى تنها و تنها در يک برهه زمانى کوتاه وظيفه اى را بعهده گرفت و آنها بپايان برد و يورش وحشيانه دستگاہ پليسى را به نهضت در آن سالها که بيشتريين فشارها نسبت بگروه ها بر نهضت آزادى وارد آورد ميتوان مابين حقانيت راهى دانست که نهضت در پيش گرفته بود. چرا که رژيم در غالب نهضت تبلور تدريجى توده هاى انقلاب اسلامى را ميديد که در آينده ميتوانست بصورت اصيل ترين خطر براى خود او و حاميانش در آيد. آيا ميتوان با انتخاب دو جمله از اين مقدمه و از آن کتاب واقعيت هاى تاريخى را قلب کرد. مگر نه آنکه مجاهدين مسلمان از درون نهضت سر بر زدند.

۴ - بیانیه بشکلی مداوم و یکنواخت با عنوان کردن شعارهای خارجی مارکسیستی به قشری از توده زحمت کش و ضعیف شده ای حمله میکند که خصیصه و اخلاق پرولتاریای ایده آل نویسنده را ندارند. نویسنده تیز هوش با دید آنارونیستی خود و با عدم تسلط کافی بر تاریخ انقلابات کشورهای آزاد شده در جهان امروز و نهضت های آزادی بخش موجود متوجه نیست که با طرد این اقشار ضعیف شده و استثمار گردیده که بالقوه در این مرحله از مبارزه حامیان اصلی نیروهای پیشتازند گروههای پیشتاز را به زوبینی بی دسته مبدل میسازند که برد تهاجمی خود را از دست داده و تبدیل بآهن پاره بیمصرف گردد. نویسنده تمام امید خود را به پدید آمدن اکثریتی از پرولتاریایی می بندد که در بیست و سی سال آینده درست مطابق الگوهای تعریفی مارکسیستی بوجود خواهد آمد تا انقلابیون استالینیست ما با پیوند یافتن بدان آنها را بر اریکه قدرت برساند و دیکتاتوری پرولتاریا را بوجود آورد (میتوان از هم اکنون آثار مخرب این طرز فکر اپورتونیستی سازمان نوبنیاد مجاهدین مارکسیست را حدس زد).

۵ - توجه به میکرومکانیسمهای موجود در هر جامعه سنتی و مذهبی به یک حرکت انقلابی در یک برهه زمانی و در یک منطقه ویژگی یک انقلاب بومی را میبخشد که آنرا در مقابل ایده های صادر شده قالبی انقلاب انترناسیونالیستی کمونیسم قالبی قرار می دهد (گرچه در مجموع به صورت زنجیری در سراسر جهان این ویژگیها در تاثیر متقابل هدفهای اصلی انقلابات انترناسیونالیستی را تبیین میکند) و با این میکرومکانیسمها نمیتوان رسید و از آن استفاده کرد مگر با شکلی صادقانه و غیر دگماتیک. وگرنه رشته پیوند نیروهای انقلابی پیشتاز با نیروهای عامه مستضعف که ضامن پیروزی هر انقلاب موفقی است بریده خواهد بود. کلی بافی و قالب ریزی مسایل بومی در فرمولهای پیش ساخته ای که ظرفیت برای جای دادن این مسایل ندارند و برگشت مرتجعانه بقالبههای کهنه شده مارکسیستی قرن نوزدهمی جز بویران کردن پلهای ارتباطی گروههای پیشگام با مردم نخواهد انجامید خصیصه های پرولتاریایی ساخته و پرداخته شده ذهن نویسنده بیانیه همان قدر با خصیصه های عامه زحمتکش مسلمان ایران (بالتجیه انقلابی ایران) فاصله دارد که خصوصیات کارگر معادن ذغال سنگ انگلستان قرن نوزدهم با دهاقین سالهای ۱۹۴۰ چین.

۶ - عدم صداقت و دورویی نویسنده تیزهوش آن قدر مخفی نگردیده است که اشمیاز هر انقلابی و یا پشتیبان آنرا برنیانگیزد. مثلا او گاه به ضرورت ایده هایی که باید حتما و بهر شکلی که شده ثابت شود با اسلام بعنوان مکتبی ایده آلیستی و حاوی افسانه های جن و پری و مسلمانان به عنوان اوهام پرست و ترسو و مردم گریز و صوفی (که ترس از نیروهای متافیزیکی تمام نیروهای او را خشکانده و او را زبون و بیچاره ساخته) میتازد و در جای دیگر دست اتحاد بسمت نیروهای اسلامی دراز میکند که با صداقت انقلابی آنرا بفشارد (اگر مینوشتنند تا گلوی آنرا بفشارد صادقانه تر بود) و در جایی هندوانه زیر بغل طلبه های جوان ورزندگان میگذازد (تا کادرهای جانباز ولی ساده مسلمان را در درون صفوف خود نگه دارد) و در جایی دیگر بیشرمانه بشرح و تفصیل تسویه خونین و کودتایی بیهانه مبارزه درون تشکیلاتی میپردازد که در آن پنجاه درصد از همین کادر مسلمان مبارز اوهام پرست و خود خواه در برهوت تهران در مخفیگاه های خود رها گشتند. و این هشدار است برای نیروهای انقلاب اسلامی که دیگر بار در دهان گشاده این سوسمار کهنه کار که دسیسه را خوب از اربابانش استالین و استالینیستها یاد گرفته است نیفتد.

۷ - ضربه ای که کودتا به نهضتهای اسلامی وارد ساخته است ضررش تنها دامنگیر نیروهای انقلابی اسلامی نیست که دامنه اش تا تاثیرگذاری بر فداپیان خلق نیز گسترش خواهد یافت چرا که زحمتکشان مسلمان ایران با تجربه های تلخی که از گذشته دارندیکبار دیگر بشکل حادی نسبت بتمام نهضت های انقلابی مارکسیستی اگر چه صادقانه بعمل دست زند بدبین خواهد ساخت و اگر همگامی تمایلات عامه مستضعف همان آب مورد لزوم برای شنای یک انقلابی که چون ماهی بر خشکی جان نسپارد روش این تیز هوشان برای خشکاندن این آب کمتر از تبلیغات و عملیات رژیم کاری نیست.

۸ - چه لزومی داشت که در بیانیه چهره پاک شهیدان گذشته مجاهدین مسلمان را با نسبت دادن اوهام پرستی و ایده آلیست بودن چرکین سازند. مگر نه آنکه ده سال فعالیت پیشگامانه و صادقانه آنها بود که شور انقلاب را در ایران بوجود آورده است. گرچه میدانیم شما نمیتوانید و نخواهید توانست بدانان که چهره خونین بیستر خاک کشانده اند نتازید و نکته پراکنی نکنید چرا که کوبیدن آنها و ایده های اصیل آن شهیدان توجیه کننده موقعیت شما و عقاید شما در مقابل سازمان محصول کودتایی است و البته از کسانی که از استالین آیه نازل میکنند چنین روشی دور از ذهن نیست

۹ - نویسنده گویا اصل مشعشعانه ای در مورد اسلام و فرق آن با مارکسیسم پیدا کرده است و با بحث مبسوطی میگوید اسلام چرایی مبارزه و مارکسیسم چگونگی آنرا مطرح میسازد. گویا مسلمان مورد نظر ایشان شبیه رفیق کارمند های جماهیر شوروی در ذوب آهن ایران باشد که اگر بانان بگویم باید مبارزه کنید جواب خواهند داد چرا، بعد یادشان می آوریم که مارکسیست هستند و حتما جوابشان این خواهد بود اینرا که میدانستیم مبارزه چرا؟

سفسطه بازی جناب در سایر موارد نیز کمتر از مثالهاییستکه میتواند الی الابد ادامه یابد. ولی همانطور که تاریخ نهضت فکری اسلام انقلابی در پنجاه سال گذشته نشان میدهند نکته گیریهایی از این قبیل جز آبدیده کردن و پروراندن جانهای مسلمان نقشی دیگر نداشته است و همیشه نیز چنین خواهد بود. در پایان اعتقاد خود را در باره تلاشهای پیشتازانه انقلابی چنین ابراز میداریم. تنها گروه هایی بسمت هدف خویش به پیش خواهند رفت و پیروز خواهند شد که پیوند استواری با تمام نیروهای لایزال عامه مستضعف برقرار سازند همانهایی که علی علیه السلام آنها را العامه من الامه در مقابل خاصه استثمارگر میدانند و آنانرا:

۱ - عمودالدین (ستون نگهدارنده چادر در برگیرنده ایدیولوژی توده ای منبعث از قوانین حرکت تکاملی و هدفدار دستگاه خلقت)

۲ - جماع المسلمین (نیروهای تسلیم شده بسننهای ضرور خدایی حاکم بر خلقت و تاریخ).

۳ - والعهه للاعداء (یورش برندگان و مهاجمین بسمت نیروهای ضد خلقی و ارتجاعی) میشمرد
فاماً الزّبدفیذهب جفا، و امأ ما ینفع الناس فی الارض(۳).

والسلام علی من اتبع الهدی

دانشجویان مسلمان

آذر ۱۳۵۴

(۱) آیه ۱۹ سوره رعد

(۲) آیه ۲۴ سوره ابراهیم: سخن پاک چون درختی پاک است که ریشه اش در زمین استوار و شاخه هایش در آسمان است، به فرمان خدا هر زمان میوه خود را می دهد.

(۳) آیه ۱۷ سوره رعد: اما کف به کناری افتد و نابود شود و آنچه برای مردم سودمند است در زمین پایدار بماند.